روزنامه شرق

شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۰ • ۱۰ ذی‌القعده ۱۴۳۲ • ۸ اکتبر ۲۰۱۱ • سال نهم

شماره پیاپی ۱۳۶۲ • شماره ۴۳۸ دوره جدید • ۱۲صفحه+۳۲صفحه ضمیمه • ۱۰۰۰ تومان

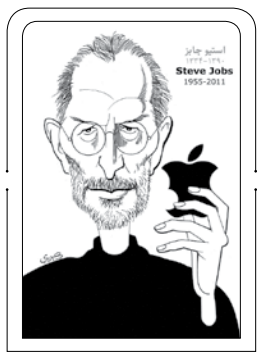


توماس ترانسترومر شاعر سوئدی همه را شگفت‌زده کرد

روان‌شناس بازنشسته برنده نوبل ادبیات

گروه ادبیات: نوبل ادبیات امسال، روز پنجشنبه به روان‌شناسی تعلق گرفت که در اوقات فراغتش شعر می‌نوشت. توماس ترانسترومر، که هم‌اینک مشهورترین شاعر زنده سوئد به شمار می‌رود، از سال‌ها پیش مهم‌ترین امید نوبل برای هموطنانش بود. ترانسترومر، در آستانه حضور در مراسم دریافت جایزه‌اش، ۸۰ساله است...

صفحه ۵



درگذشت استیو جابز

سیب جادویی تنها شد

شرق: خبر درگذشت استیو جابز بنیانگذار اپل چنان تکان‌دهنده بود که از غرب دور تا شرق دور همگان به تحسین و ستایش وی و خدماتش به بشریت پرداختند. گزارش صفحه ۸ و نیز آثار و نوشتاری از ناهید طباطبایی، روبرت صافاریان، احمدرضا دالوند، ابوالحسن مختاباد و... را در صفحه آخر بخوانید.

صفحه ۸

ضمیمه اول هفته



سیلاب چه کسانی را با خود خواهد برد؟

بهار ابری اعراب

با آثار و گفتاری از:
ناصر فکوهی، حسن محدثی، محمدجواد غلامرضاکاشی، نوال سعداوی، آدونیس
عزمی بشاره، برهان غلیون

ارثیه تعهدات دولت برای آیندگان

فرشاد مومنی، سعید لیلاز، صادق زیباکلام

خبر

هاشمی‌رفسنجانی: شرایط دلسوزان نظام برای حضور در انتخابات فراهم شود

صفحه ۲

حرف اول

درباره تنها ترجمه فارسی شعر ترانسترومر

فرزانه طاهری



«مجمع‌الجزایر رویا» برگزیده شعرهای توماس ترانسترومر تنها کتابی است که تاکنون از این شاعر نوبلیست در ایران منتشر شده است. این کتاب را مرتضی ثقفیان به فارسی ترجمه کرده که از سوی نشر دیگر با همکاری بنیاد گلشیری منتشر شده. ابتدای کتاب نیز مقاله‌ای از لارسن گوستافسون با عنوان «آرمانشهر لحظه» شعر توماس ترانسترومر با ترجمه فرزانه طاهری آمده است. فرزانه طاهری از ترجمه این کتاب و تجربه انتشار اشعار ترانسترومر می‌گوید.

■■■

مرتضی ثقفیان، از اعضای نشست پنجشنبه‌های هوشنگ گلشیری در دهه ۶۰ بود. آن روزها ثقفیان در کنار عبدالعلی عظیمی و کامران بزرگ‌نیا از شاعران گروه بود که ترجمه هم می‌کرد. شعرهایش را هم در مجلات مختلفی مثل «مفید» چاپ می‌کرد.

ادامه در صفحه ۵

در گفت‌وگو با «شرق» مطرح شد

سکوت مشایی به روایت وکیل مشایی

■ سیدعلی‌اصغر حسینی: پس از آنکه شکایت مداح‌ها مطرح شد بیانیه دادند و گفتند من وکیل مدافع شیطان شده‌ام

گروه سیاسی، اعظم ویسمه- عشرت عبداللهی: همه چیز اسفندیار رحیم‌مشایی به همه چیزش می‌آید. برای مصاحبه با وکیل رییس دفتر احمدی‌نژاد منتظر ورود وکیلی با تجربه و طبیعتا سن بالا بودیم. در ذهن خود پیرمردی مسن با کت و شلوار رسمی و کراوات را تصور می‌کردیم که از پس پرونده‌هایی چنین سنگین برمی‌آید. وکیلی که قرار است از یک مقام ارشد قضایی تا محمدباقر قالیباف، شهردار تهران، حاج‌منصور ارضی، سعید حدادیان و ذوالنور جانشین سابق نماینده ولی‌فقیه در سپاه و... در دادگاه شکایت کرده و حقانیت موکلش را اثبات کند. اما در اتاق که باز می‌شود تصورات ما به هم می‌ریزد؛ فراموش کرده بودیم با اسفندیار رحیم‌مشایی طرف هستیم. فردی که با شخصیت پیچیده‌ای که دارد، این روزها در حاشیه و خبرسازی در سیاست ایران حرف اول را می‌زند. این‌گونه است که وقتی سیدعلی‌اصغر حسینی ۲۸، ۳۰ ساله به‌عنوان وکیل مشایی روبه‌روی ما می‌نشیند، شگفت زده می‌شویم. حسینی جوان پیش از این هم وکالت پرونده‌های سیاسی را برعهده داشته اما وکالت رییس دفتر احمدی‌نژاد، مطمئنا متفاوت‌تر از هر پرونده‌ای است. وکیل مشایی خود از این تفاوت با خبر است. می‌خندد و می‌گوید: «پرونده پر مشغله‌ای است. زمانی که وکالت مشایی به من پیشنهاد شد به دلیل شخصیت جالب موکلم و هیجانی که داشت، پرونده را قبول کردم. از همان ابتدا هم متفاوت بودن این پرونده برای من مشخص شد. زمانی که لقب وکیل مدافع شیطان را به من دادند.» در طول مصاحبه متوجه شدیم حسینی به غیراز مشایی وکالت محمدرضا رحیمی، معاون اول رییس‌جمهوری را نیز در برخی پرونده‌ها برعهده دارد اما آن‌گونه که حسینی به ما خبر داد حاج منصور ارضی هفته آینده راهی دادگاه است تا از خود در برابر شکایت مشایی دفاع کند. وکیل جوان با خنده می‌گوید: «زمانی که این پرونده شکایت را به دادگاه برده، اطرافیانش به او توصیه کرده‌اند شکایت از مداح اهل‌بیت برای او عاقبت خوشی ندارد؛ اما خودش می‌گوید: «پس از موضع‌گیری‌های حاج منصور علیه آقای مشایی و تهدید به قتل، دیگر پای منبراین مداح حاضر نمی‌شوم هر چند شعرهای حاج‌منصور برای مداحی را برادر همسرم می‌سراید.»

ادامه در صفحه ۳



توکل کرمان



آلن جانسون سرلیف



لیما گبووی

برندگان صلح نوبل اعلام شدند

این سه‌زن

گروه جهان، نسرین رضایی: «به دموکراسی و صلح پایدار در جهان دست نخواهیم یافت، مگر با برابری. مگر آنکه به زنان هم فرصت بدهیم تا حس تاثیرگذاری داشته باشند، تاثیرگذاری در تمام سطوح جامعه. باید فرصت دهیم تا با هر آنچه که در اختیار مردان قرار می‌گیرد، بدون کوچک‌ترین تبعیضی وارد عرصه رقابت برای صلح شوند. صلحی پایدار و ماندنی.» این بخشی از بیانیه کمیته صلح نوبل بود، زمانی که نام سه زن به عنوان برنده امسال اعلام شد و همگان را تاحد زیادی در شوک فرو برد. آلن جانسون سرلیف و لیما گبووی هر دو از کشور آفریقایی لیبریا و توکل عبدالسلام کرمان از یمن. این سه زن به‌طور هم زمان صلح نوبل را از آن خود کردند. شوربورن یاگلاند، رییس کمیته جایزه نوبل می‌گوید: اعطای این جایزه به این سه زن نشانه حمایت ما از بهار عربی، زنان و احترام به مسلمانان است. کمیته داوری صلح نوبل در ادامه بیانیه خود آورده است: به دلیل تلاش مسالمت‌آمیز این زنان در راه امنیت زنان دنیا و حق آنان برای مشارکت کامل در ایجاد صلح تصمیم به اعطای این جایزه به آنها گرفته شد تا نام سه زن دیگر در فهرست برندگان صلح اضافه شود که پیشتر نام ۹ نفر دیگر در آن ثبت شده بود. کمیته صلح نوبل می‌گوید که جایزه نقدی صلح به طور مساوی به این سه زن از کشورهای لیبریا و یمن تعلق خواهد گرفت.

توکل کرمان، نخستین زن عرب برنده این جایزه هم می‌گوید که سهم خود را به «جوانان انقلابی یمن و مردم یمن» می‌دهد؛ مردمی که برای کسب حداقل‌های دموکراسی تلاش کردند.

کرمان، نخستین کسی بود که شعله‌های انقلاب یمن را روشن کرد و آغازگر مسیر اعتراضات داخلی در صنعا بود. کرمان پس از آنکه جرقه اعتراضات یمن را روشن کرد به زندان افتاد. توکل کرمان که مدیر یک گروه مدافع آزادی مطبوعات با عنوان «روزنامه‌نگاران زن رها از زنجیر» در یمن است، تاکنون چندین بار به دلیل فعالیت‌هایش در راه آزادی بیان و مطبوعات و همین‌طور مخالفتش با علی عبدالله صالح، رییس‌جمهور یمن، زندانی شده است. او می‌گوید که جایزه صلح نوبل متعلق به تمامی انقلابیون، شهدا و مجروحان انقلاب یمن و انقلاب‌های کشورهای عربی دیگر است. کرمان جایزه غیرمنتظره خود را به فعالان بهار عربی تقدیم کرد. آلن جانسون سرلیف هم می‌گوید: جایزه متعلق به مردم کشورم است. صلحی که به ۱۴ سال جنگ داخلی در کشور لیبریا پایان داد، دستاورد زنان این کشور است. یک ماه پیش بود که سرلیف در مصاحبه با یک هفته‌نامه آفریقایی گفت: اجازه نخواهیم داد تا آفریقا به یک کلوپ مردانه بدل شود. کمیته صلح نوبل، آلن جانسون سرلیف را «نخستین رییس‌جمهور زن آفریقا که به شکل دموکراتیک انتخاب شده» معرفی و اشاره کرده است که سرلیف از سال ۲۰۰۶ که به این مقام رسیده به ایجاد صلح در لیبریا و افزایش توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک کرده است. «لیما گبووی» هم فعال حقوق بشر در کشور لیبریاست که تلاش‌های بسیاری را برای توقف جنگ داخلی دوم در این کشور انجام داده است. جایزه صلح نوبل که رقم آن به حدود یک‌میلیون و یک‌صدهزار یورو می‌رسد در سال گذشته به لو شیابائو معترض زندانی چینی تعلق گرفت. سیما سمار، فعال حقوق بشر افغان نیز از کسانی بود که نامش در میان نامزدان امسال به چشم می‌خورد. دو سال پیش از رییس‌جمهور لیبریا، باراک اوباما رییس‌جمهور ایالات‌متحده به عنوان برنده صلح نوبل معرفی شده بود. اهدای این جایزه گاهی به‌انگیزه‌های سیاسی اهداکنندگان ارتباط داده و با انتقادهایی همراه بوده است. صلح نوبل یکی از شش جایزه نوبل است که توسط آلفرد نوبل صنعت‌گر و مخترع سوئدی وقف شده است. آلفرد برنارد نوبل شیمی‌دان، مهندس، مبتکر و اسلحه‌ساز سوئدی بود که به‌عنوان مخترع دینامیت شناخته می‌شود. او از سال ۱۸۹۴ تا روز فوتش صاحب اسلحه‌سازی بزرگ بوفورس بود و در تغییر آن از یک کارخانه ذوب‌آهن به یک توپخانه‌سازی مدرن و یک کارخانه تولید مواد شیمیایی نقش اساسی داشت. نوبل در آخرین وصیت‌نامه خود سرمایه حیرت‌انگیزش را برای تامین هزینه‌های جایزه نوبل اختصاص داد. عنصر شیمیایی نوبلیم به احترام او نام‌گذاری شده‌است. گفته می‌شود که انتشار مطلب دروغین درباره فوت نوبل در یک روزنامه فرانسوی در سال ۱۸۸۸، در حالی که او را به خاطر اختراع دینامیت گناهکار خوانده بود، او را به فکر ایجاد تصویر بهتری از خود نزد آیندگان واداشت. این نشریه این‌گونه نوشته بود: «فرشته مرگ مرده‌است، دکتر آلفرد نوبل، فردی که برای ایجاد راهی برای کشتن افراد بیشتر در زمان کمتر ثروتمند شده بود؛ دیروز فوت کرد.» جایزه صلح برای اولین بار در سال ۱۹۰۱ اعطا شد. آلفرد نوبل در وصیت‌نامه خود گفته است که این جایزه باید «به کسی داده شود که بهترین یا بیشترین کوشش را در راه برادری ملل یا انحلال یا کاهش ارتش‌ها یا تشکیل و ترغیب کنفرانس‌های صلح کرده باشد.» جایزه نوبل صلح تنها جایزه نوبل است که در استکهلم داده نمی‌شود. این جایزه هر ساله در اسلو پایتخت نروژ اهدا می‌شود.

زنان برنده جایزه صلح نوبل

نام	کشور	سال اهدای جایزه
برتا ون سوتنر	اتریش	۱۹۰۵
جین آدامز	ایالات‌متحده	۱۹۳۱
امیلی گرینه بالچ	ایالات‌متحده	۱۹۴۶
بتی ویلیامز	بریتانیا	۱۹۷۶
میرید کوریگان	بریتانیا	۱۹۷۶
مادر ترزا	هند	۱۹۷۹
جودی ویلیامز	ایالات‌متحده	۱۹۹۷
وانگاری ما آتای	کنیا	۲۰۰۴

سرمقاله

بهار عرب؛ پرسشی هولناک

احسان شریعتی



مشاهده «بهار عرب»، در این پاییزِ تامل‌برانگیز، بازاندیشیدن به خود و انقلاب‌های خودِ ماست در ایام شباب و شادابی آنها. هر انقلابی هرچند یک رخداد منحصر به فرد است، اما مگر انقلاب‌ها، در مقام «لوکوموتیو»های حرکتِ تاریخ به تعبیر معروف، قانونمندی و شاخص‌های مشترکی ندارند؟ همین بهارِ عرب که در هر یک از کشورهای عربی به‌شکل ویژه‌ای جلوه می‌کند، در همه جا پیوندِ مشترکی را هم میانِ جنبش‌ها و کشورها و هم میانِ نظام‌های حاکم، به‌رغمِ ظاهرِ راست یا چپ‌نمایشان، نشان می‌دهد. ایرانیانِ خود، از زمانِ مشروطه (و سیدجمال) تاکنون، از پیشگامانِ فکری و عملی این سلسله نهضت‌های بیداری بوده‌اند. هرچند که خود گاه، «یک گام به پیش و دو گام به پس» برداشته باشند (مانند تجربه نهضت‌های مشروطه و ملی که از سیدجمال تا مصدق الهام‌بخش جنبش‌های ملی- عقیدتی جهانِ عرب و مسلمان، از عبده تا ناصر بود، اما خود ایرانیان، از پی هر کودتاهای پیاپی، از قافله عقب ماندند). فایق آمدن بر این جابه‌جایی‌ها، ناهمزمانی‌ها و ناهمزبانی‌ها، شرط گشودن باب گفت‌وگو میان این جنبش‌ها و درس‌آموزی از تاریخ و تجارب نهضت‌های گذشته ملل خاورمیانه برای آینده است. پیامِ خیزشِ کنونی خلق‌های عرب و مسلمان چه بود و چیست؟ به نظر بنده نگارنده، در قیاس با گذشته، آنچه این‌بار در نگاه نخست جلب توجه می‌کرد، «سادگی» گفتار انقلابی (در عینِ پیچیدگی موقعیت و مناسباتِ قوا)، باز بودن افق‌های عقیدتی و بروز بودن شیوه‌های مبارزه است، در حینِ حفظِ مولفه‌ها و مشخصه‌های فرهنگ بومی (و مذهبی). در برابر ناسیونالیسم‌های رسمی و حکومتی و صوری، خلق‌های عرب را دردِ مشترک‌شان تعریف و متحد می‌کند. همچنین به خلاف شریعتمداری گرایشاتِ پیشین، موسوم به بنیادگرا (یا سنتی)، الگو و مُدل عقیدتی-دینی این بار از سنخِ نواندیش و پیشرو، آزادیخواه و عدالت‌طلبانه، است و ظاهری، قشری‌گری و تصلب، کمتر به چشم می‌آید. معنای اینچنین ارزیابی‌ای این نیست که من‌بعد خطر تنش‌های قومی و بین-ادیانی یکسره رخت بربسته است -چه به‌عکس، با فروپاشی دیکتاتوری‌های نظامی شبه‌سکولار به خطری محتمل‌تر از گذشته تبدیل شده- بلکه به این معنای ساده که گفتار بسیج‌کننده انقلاب، به‌لحاظ دینی، «پسا-بنیادگرا» است. مرگ یک جوانِ تونسی، به‌عنوان یک نمونه و نماد از خیل جوانان مغربی شمال آفریقا، جرقه‌ای زد بر بشکه باروت یا خشم متراکم توده‌های عرب علیه دهه‌ها حاکمیت امرای وابسته و فاسد، مرتجع و مستبد. رژیم‌های رنگارنگ پیاپی و دومینو وار شروع به احتضار و فروپاشی کردند؛ قدرت‌های غربی و منطقه‌ای به تدریج دریافتند که سیاستِ «یک بام و دو هوا» در مورد متحدانِ سابق دیگر کارایی خود را از دست داده و من‌بعد باید خود فعالانه وارد معرکه شوند تا بتوانند دعوی اصلاحات از بالا یا رهایی‌بخشی کنند. مجموعه شرایط در چنین موقعیتِ خطیری نمایانگر یک نکته اساسی، اصلِ سراسری و جهان‌روا است: خواستِ تغییراتِ اساسی (معطوف به برقراری نظمی نو و مبتنی بر معیارهای عدالت، آزادی و کرامت انسانی)، امری عام، همه‌جا و همه وقت معتبر، یعنی هم-اینجایی و هم-اکنونی است. تمامی دعاوی عقیدتی با این نتیجه سنجیده می‌شوند. همه گرایشات و نیروهای سیاسی-ایدئولوژیک در این میدان و مسابقه مشارکت و رقابت جدی دارند. از همین‌رو، به خلاف انقلاباتِ مدرن از سده هجده بدین‌سو، امروزه وجه نظری- فلسفی جنبش‌ها تنها در پرتو (یا در سایه) کنش یا پراکسیس انتقادی-رهایی‌بخش امکانِ حضور و ظهور می‌یابند و نه به‌عکس. همچنین میزانِ اعتبار یا دامنه مشروعیت خود را با فراگیر و مستمر بودن خود و خلوص از تناقض و دوگانگی نشان می‌دهند. هم-اکنون سه خطر می‌تواند این بهار نوزایی را دچار آفتِ خشکسالی سازد: اول، خشونت و افراط نظامی در مشی و تاکتیک در واکنش به اختناق حاکم؛ دوم، تشدید بحرانی تنش‌های بینا-ادیانی؛ و سوم، مداخله قدرت‌های خارجی (به ویژه در شکل نظامی آن)، از پی مطامع خویش. و این خطرات البته در مناطقی که از توسعه تاریخی-اجتماعی کمتر بهره‌منداند، بیشتر خودنمایی می‌کنند. و اما، مهم‌ترین بخش این تحولاتِ گسترده، به‌رغم ظاهرِ ساده و متواضع آن همان بخش کلامی (و فلسفی) پیرامونی یا پس-پشتی «رخداد» است که: برای رسیدن به عالمی دیگر، از نو، آدمی دیگر بباید ساخت! تناقض‌نمای انقلاب اما در اینجاست که «اسقاطِ نظام» جبّار گاه حاصل نمی‌شود مگر با به کارگیری خشونتی برتر و شیوه‌هایی کاراتر از جنسِ خود او. در اینجاست که نظریه‌پردازانِ «ضد-انقلاب» برای تخطئه نفسِ انقلاب و خواستِ تغییر وارد می‌شوند، غافل از آنکه مسوولیتِ اولی این وضعیت هم به همان «مسوولان» سابق برمی‌گردد.

ادامه در صفحه ۶

معاون قوه‌قضاییه:

سالانه ۲۰درصد به جمعیت زندان‌ها اضافه می‌شود

ایسنا: معاون قوه‌قضاییه از روند فزاینده جرم در کشور خبر داد و ضمن اشاره به افزایش ۱۳درصدی حجم پرونده‌های قضایی، خاطرنشان کرد: جمعیت زندان‌ها سالانه ۲۰درصد افزایش می‌یابد. محمدباقر ذوالقدر در اولین نشست هماهنگی کارگروه‌های آموزش مدیریت پیشگیری از جرم شهرستان‌های استان خراسان رضوی، الگوبرداری از فرهنگ غربی و افزایش تکنولوژی را از دلایل وقوع جرم دانست و با بیان اینکه در حال حاضر هیچ ملاکی برای سنجش جرم در کشور وجود ندارد، تصریح کرد: در حال حاضر با بعضی از شاخص‌ها مثل حجم پرونده‌های قضایی که با رشد ۱۳درصدی روبه‌روست یا وضعیت زندان‌ها و زندانیان که با ملاک‌های جهانی اصلا وضعیت خوبی ندارند، میزان جرم را حدس می‌زنیم. وی ادامه داد: سالانه ۲۰درصد به جمعیت زندان‌ها اضافه می‌شود که سه برابر بیشتر از ظرفیت زندان‌هاست. برای مثال در زندان مشهد با ظرفیت سه‌هزار و ۵۰۰ نفری، ۱۲هزار زندانی وجود دارد و زندان‌های ما به جای دانشگاه اصلاح و تربیت، تبدیل به دانشگاه جرم شده‌اند. معاون قوه‌قضاییه با بیان اینکه تراز کیفری ایران در جهان، بیستم است، خاطرنشان کرد: در بین کشورهای اسلامی، تراز کیفری ایران اول است و در آسیا چهارم هستیم که این اصلا امیدوارکننده نیست. ذوالقدر آمارهای نیروی انتظامی را حاکی از افزایش جرم دانست و یادآور شد: در آمار طلاق، وضعیت خوبی نداریم. این آمار در تهران ۲۵درصد و در بعضی از استان‌ها مثل کردستان ۲۰درصد است.



گاهی به آسمان نگاه کن



منتشر شد

هر شنبه منتظر هفته‌نامه آسمان باشید

قابل‌توجه دفاتر اداری

اکازیون

یک واحد آپارتمان واقع در میدان آرژانتین به متراژ ۱۰۳ متر مربع با پارکینگ و انباری به فروش می‌رسد یا با آپارتمانی در منطقه لواسانات معاوضه می‌شود.

شماره تماس ۲-۸۸۶۵۴۳۹۰

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
تلفنی آگهی می‌پذیرد.
۸۸۶۵۸۵۷۵-۸۸۵۲۴۹۷۴-۸۸۷۵۲۴۹۳-۸۸۷۵۲۱۵۹